

دوفصلنامه جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، سال ششم، شماره سوم، بهار و تابستان ۱۳۹۶، صفحات ۶۴-۳۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۲/۱۵

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۶/۰۸/۲۰

مطالعه تطبیقی رابطه منابع مالی دولت و کیفیت حکمروایی (تحلیل بین کشوری)

علیرضا بی زبان^۱

بهنام منصور یونجالی^۲

چکیده

هدف این نوشتار یافتن پاسخی به این پرسش است که چه رابطه‌ای بین ماهیت منابع مالی دولت و کیفیت حکمروایی وجود دارد؟ به عبارت دیگر وابستگی دولت به منابع رانتی (منابع طبیعی و کمک‌های مالی خارجی) و مالیات چه تأثیری بر کیفیت حکمروایی دارد؟ جامعه آماری این پژوهش از ۱۳۵ کشوری که سهم منابع طبیعی و مالیات آن‌ها در تولید ناخالص داخلی غیرصفر بوده و همچنین از ۱۰۰ کشوری که سهم کمک‌های مالی خارجی در کل درآمدهای دولت غیرصفر بوده، تشکیل شده است. داده‌های مربوط به متغیرهای پژوهش از منابع مختلف بین‌المللی برای کشورهایی که دارای داده‌های معتبر بوده‌اند گردآوری و به شکل میانگین برای دوره زمانی ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۵ تحلیل شده‌اند. جهت یافتن راه‌حل تجربی مسأله و آزمون شروط علی نیز، از روش تحلیل تطبیقی کمی و تکنیک رگرسیون خطی استفاده شده است. میانگین حق اظهارنظر و پاسخگویی، حاکمیت قانون، کنترل فساد، ثبات سیاسی، کیفیت تنظیمی (بوروکراسی)، کارایی دولت، اندازه دولت، مشارکت سیاسی و آزادی‌های اقتصادی با عنوان شاخص حکمروایی خوب استفاده و تأثیر منابع رانتی (منابع طبیعی و کمک‌های خارجی) و مالیات بر تمامی ابعاد به صورت جداگانه بررسی نموده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد ماهیت حکمروایی در بین کشورهای مورد بررسی تابعی از میزان درآمدهای ناشی از منابع رانتی (منابع طبیعی و کمک خارجی) و مالیات است، که به تناسب افزایش درآمد منابع رانتی، کیفیت حکمروایی کاهش و برعکس با افزایش درآمدهای مالیاتی، کیفیت حکمروایی افزایش می‌یابد.

واژگان کلیدی: حکمروایی خوب، منابع طبیعی، کمک خارجی، مالیات.

۱- دانشجوی دکتری رشته جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران، دانشگاه شهید بهشتی. Email:alirezabizaban@yahoo.com

۲- دانش‌آموخته کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی.

Email:bemanso50@gmail.com

مقدمه و طرح مسأله

مطالعات توسعه و آمارهای سازمان‌های جهانی بیان‌گر آن است که از مهم‌ترین عوامل رشد و توسعه جوامع در کنار رشد و توسعه اقتصادی، «حکمروایی خوب» است؛ چنانچه حکمروایی خوب را بنیان توسعه خوانده‌اند (میدری و خیرخواهان، ۱۳۸۳: ۲۶۲-۲۶۵، جاسبی و نفری، ۱۳۸۸). شواهد جهانی نیز گویای آن است که یک حکومت توانمند با نهادهای دولتی شایسته و شفاف، پیوندی مستقیم با رشد درآمدها، افزایش ثروت ملی و دستاوردهای اجتماعی دارد. به عبارت دیگر در کشورهایی که نهادهای دولتی کارآمد، درستکار و مبتنی بر شایسته سالاری هستند، قوانین و مقررات، ساده و روشن‌اند، حاکمیت قانون به گونه‌ای منصفانه اعمال می‌شود، سیاست‌ها و چارچوب‌های قانونی در تصرف گروه‌های ذی‌نفوذ نیستند، جامعه مدنی و رسانه‌های گروهی صدای مستقلی دارند که پاسخگویی دولت را ارتقاء می‌دهد؛ (۱) درآمدها و سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی (کافمن، ۱۹۹۹: ۳-۵، گیلبرت، ۲۰۰۳، کناک، ۲۰۰۲، فنگ‌یو، ۲۰۰۳: ۱۰)، (۲) ادخال اجتماعی^۱ - توسعه و بسط روابط و اعتماد اجتماعی و شبکه‌های مدنی (پکستون، ۲۰۰۲: ۱۴-۱۵، پاتنام، ۱۳۸۰)، (۳) استقرار و تعمیق رویه‌های دموکراتیک و بسط فردیت سیاسی (سن، ۱۳۸۲، آرکو، ۲۰۰۸: ۷-۸)، (۴) عام‌گرایی و بسط وفاق و هنجارهای اخلاقی (پاتنام، ۱۳۸۰؛ چلبی، ۱۳۷۵) و (۵) امید به زندگی، تحصیلات، کیفیت زندگی، سلامتی و دسترسی به بهداشت و ... (سانیال، ۲۰۱۱، مکیان و بی‌باک، ۱۳۹۴: ۱۴۴-۱۴۶) امکان ظهور و بروز می‌یابند.

مسأله این نوشتار ناظر بر کیفیت حکمروایی است. در باب دلالت معنایی حکمروایی باید گفت حکمروایی در ذات خود تعامل و همکاری بین جامعه مدنی و نظام سیاسی یا تعامل بین دولت و شهروندان را دارد. حکمروایی به پوشش‌ها یا تصمیم‌گیری در جامعه، چگونگی کاربرد قدرت و نحوه روابط دولت و شهروندان (افراد و گروه‌ها) اشاره دارد. به گونه‌ای بنیادین، حکمروایی در پیوند با چگونگی کاربرد قدرت، تعامل و پاسخ‌گویی معنا می‌یابد. در ادبیات مربوط تعاریف متعددی از این مفهوم ارائه شده است. برخی از اندیشمندان حکمروایی خوب را فرایندهای جدید اداره عمومی جامعه تعریف کرده‌اند. در برخی کاربردها این مفهوم

1- Social inclusion

با دولت حداقلی^۱، حکمروایی شرکتی^۲، مدیریت عمومی نوین^۳، نظام اجتماعی سیبرنتیک^۴ و شبکه‌های خودسازمان شونده^۵ معادل گرفته شده است (ساعی و کبیری، ۱۳۹۰: ۶۳). وایز (۲۰۰۰) حکمروایی را ترکیبی از سنت‌ها (آداب و رسوم)، نهادها و فرایندها می‌داند که ناظر بر سه پرسش اساسی است: چگونگی اعمال قدرت، نحوه مشارکت و اعتراض شهروندان و بالاخره، نحوه تصمیم‌گیری در مباحث عمومی (رضایی، ۱۳۹۴: ۲۳۵). به لحاظ مفهومی نیز، حکمروایی خوب ناظر بر سیاست مبتنی بر مشارکت، دولت دموکراتیک، کارآمدی حکومت و مدیریت باکیفیت در جامعه است و به لحاظ نظری دارای ابعادی از قبیل پاسخگویی دولت و حق اظهار نظر قائل بودن برای شهروندان، قانون‌مداری و حاکمیت قانون، اثربخشی و کارایی دولت، ثبات سیاسی، شفافیت و توانایی در کنترل فساد (کافمن و همکاران، ۲۰۱۰: ۲-۴). مشارکت و مشروعیت سیاسی و برقراری عدالت (گراهام و پلامتر، ۲۰۰۳: ۴-۱۵) می‌باشد. در واقع حکمروایی پیوستاری است که در یک‌سوی آن حکمروایی بد و در سوی دیگر آن حکمروایی خوب قرار دارد. گذر از حکمروایی بد به حکمروایی خوب بستگی عوامل و شروط مختلفی از جمله توسعه اجتماعی- حضور بخش‌های مختلف جامعه در فرایند تصمیم‌گیری اجتماعی، گسترش سازمان‌های داوطلبانه و افزایش چگالی روابط اجتماعی (نوریس، ۲۰۰۱: ۴-۱۵؛ چلبی، ۱۳۹۲؛ پاتنام، ۱۳۸۰، ۲۰۰۰، ۲۰۰۱)، توسعه سیاسی- حق اظهار نظر و افزایش شفافیت، تثبیت و حفاظت از آزادی رسانه‌های جمعی (اُرسی، ۲۰۰۹؛ آرکو، ۲۰۰۸)، توسعه اقتصادی- تفکیک اجتماعی و اقتصادی و کاهش قدرت سلسله مراتب، رشد طبقه متوسط، توزیع منابع قدرت اقتصادی (لییست ۱۹۹۱؛ دایاموند، ۲۰۰۳) و توسعه فرهنگی- عمیق و بسط فرهنگ و زندگی مدنی و عام‌گرایی اخلاقی- دارد (اینگلهارت، ۲۰۰۵؛ آلموند و وربا، ۱۹۶۳).

پیش تحولات سیاسی در کشورهایی که سهم عمده‌ای از درآمدهای آن‌ها از منابع طبیعی به‌دست می‌آید، همواره پژوهشگران را با دولت‌هایی روبرو ساخته است که اقتداری

1- Minimal State

2- Corporate Governance

3- New Public Management

4- Socio- Cybernetic System

5- Self-Organizing Networks

بی‌بدیل در عرصه سیاست‌گذاری‌های اجتماعی و اقتصادی داشته‌اند و خود را فراتر از همه طبقات اجتماعی، جریان‌ها، احزاب و گروه‌ها می‌دانند. یکی از مهم‌ترین دلایلی که استقلال دولت‌ها و خودمختاری در عرصه تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌های دولت‌های این چنینی می‌شود، بی‌گمان تکیه بر درآمدهای سرشار از فروش منابع طبیعی از قبیل نفت و گاز و معادن معدنی و همچنین درآمدهای حاصل از کمک‌های مالی خارجی می‌باشد. به این ترتیب درآمدهای منابع رانتی پیش گفته به‌عنوان یک متغیر مستقل نقشی اساسی و نه صرفاً به‌عنوان عامل اقتصادی، در اقتصاد سیاسی ایفا می‌نماید (عسکری، ۱۳۸۹: ۵). «در هر کشوری که بخش اصلی درآمدهای دولت و تولید ناخالص داخلی از محل درآمدهای منابع طبیعی تأمین شود، بدون تردید، ثروت منابع رانتی متغیری اساسی در تحلیل شرایط سیاست به‌حساب می‌آید» (زنوزی و همکاران، ۱۳۹۳: ۳). در این معنا یکی از مهم‌ترین شروطگذار از حکمروایی بد به حکمروایی خوب به ماهیت منابع مالی حکومت مرتبط است. هنگامی که منابع رانتی، منبع اصلی ثروت دولت باشد، این درآمدها چارچوب‌ها و منطق تصمیم‌گیری را تغییر می‌دهند. آن‌ها نه فقط بر محیط سیاست‌گذاری‌های واقعی مقامات رسمی تأثیر می‌گذارند، بلکه جنبه‌های اساسی دیگر دولت از قبیل استقلال در شکل‌گیری اهداف، نوع نهادهای سیاسی اقتباس شده، دورنمای ایجاد قابلیت‌های درآمدزایی و جایگاه اقتدار را نیز متأثر می‌سازند (کارل، ۱۳۸۸). نظریه‌پردازان دولت رانتیر استدلال می‌کنند که پویای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دولت‌های وابسته به منابع طبیعی متفاوت از دولت‌های مالیات‌گیرنده است (دلفروز، ۱۳۸۱: ۴۸). دیوان سالاری دولت‌های وابسته به منابع طبیعی، غیرعقلانی و فلسفه وجودی آن، اصل دریافت نکردن مالیات در برابر وجود نداشتن نمایندگی است (لوسیانی، ۱۳۷۴: ۴۲۶). در واقع استقلال دولت از شهروندان جای رابطه تنگاتنگی را می‌گیرد که در کشورهای نوع اول (مالیات‌گیرنده) بین دولت و شهروندان وجود دارد (مور، ۲۰۰۷). دستگاه اداری ناکارآمد (بالت و همکاران، ۲۰۰۵: ۵-۲۰)، انگیزه‌های قوی برای کودتا و براندازی و ناپایداری سیاسی (اندرسون و اسلاکسن، ۲۰۱۳: ۵-۱۶)، عدم شفافیت در هزینه‌های مالی دولتی و فساد گسترده (ویسنه، ۲۰۱۰، آرواته و همکاران، ۲۰۱۰)، عدم انگیزه برای سیاست‌های مدنی (مور، ۲۰۰۴) و آسیب‌پذیری مالی (اوتی، ۲۰۰۷، کوکس‌هید، ۲۰۰۷) نیز در این کشورها به‌وجود می‌آید که همه این عوامل

می‌تواند در نگه داشتن حکومت در حالت غیر دموکراتیک و حکمروایی بد مؤثر باشد (موثقی و غنیمی فرد، ۱۳۸۸: ۲۵۷-۲۵۸). براین اساس نوشتار حاضر درصدد ارائه پاسخی به این پرسش است که چه ارتباطی بین ماهیت منابع مالی دولت و کیفیت حکمروایی وجود دارد؟ به عبارت دقیق‌تر، وابستگی دولت به منابع رانتی (منابع طبیعی و کمک‌های مالی خارجی) و مالیات چه تأثیری بر کیفیت حکمروایی دارند؟

مبانی و چهارچوب نظری تحقیق

نظریه دولت رانتیر بر پیش‌فرض تأثیر منابع مالی در شیوه حکمرانی دولت استوار است که در قالب جامعه‌شناسی مالی و اقتصاد سیاسی مطالعه می‌شود (بکهاوس، ۲۰۰۴، به نقل از ساعی و کبیری، ۱۳۹۰). نظریه دولت رانتیر به منبع استقلال اقتصادی دولت از جامعه و نتایج سیاسی و اقتصادی و فرهنگی آن توجه دارد. اگر بخش چشمگیری از درآمدهای یک دولت ناشی از منبعی خارجی از فعالیت اقتصاد ملی (مانند منابع زیرزمینی) باشد، آن گاه دولت مستقل از جامعه می‌شود و با کسب قدرت انحصاری، منافع خود را مستقل از منافع جامعه پیگیری خواهد کرد (بیلای و لوچیان، ۱۹۸۷؛ راس، ۲۰۰۱).

مایکل راس (۲۰۰۳) با دسته‌بندی آثار رانت، بر این عقیده است که دولت‌های رانتیر از طریق مکانیسم وابستگی رانتی، مکانیسم اعمال اقتدار و مکانیسم مدرن‌سازی مانع از شکل‌گیری و تعمیق حکمروایی نیک می‌شود. این سه ضلع یعنی وابستگی به درآمد غیرمالیاتی و غیرتولیدی و همزمان تلاش برای مدرن‌سازی و تمرکز درآمد در دستان دولت طبیعتاً به‌نوعی جلوگیری از مشارکت عمومی و در نهایت به تراکم و تمرکز قدرت می‌انجامد. وابستگی رانتی خود شامل سه اثر مالیاتی، هزینه‌ای و شکل‌دهی طبقات است.

اثر مالیات‌گیری: در شرایطی که حکومت درآمد کافی از فروش نفت به‌دست آورد، احتمالاً مالیات کمتری از مردم می‌گیرد و یا اساساً مالیات نمی‌گیرد. در عوض، احتمال تقاضای عمومی برای پاسخگویی حکومت و نمایندگی حکام از طرف مردم، کاهش خواهد یافت (براتیگام، ۲۰۰۸، راس، ۲۰۰۳). در واقع دولت‌های رانتیر به واسطه در اختیار داشتن

منابع درآمدی هنگفت به‌جای ایجاد سازوکارهایی که مالیات بستانند به ایجاد سیستم‌های توزیع پول روی می‌آورند (لوچیانی، ۱۹۸۶: ۸۷).

مایکل راس (۲۰۰۳)، واتچکن (۲۰۰۴)، مور (۲۰۰۴) بر نقش کلیدی نظام مالیات‌گیری در جوامع دموکراتیک تأکید کرده و معتقدند که دولت‌های رانتیر با از بین بردن نظام مالیات‌گیری در جوامع خود، یکی از ارکان مولد نظام‌های دموکراتیک را از بین می‌برند. بنابراین در کشورهایی که دولت‌های آن‌ها از مردم مالیات نمی‌گیرند و یا برای اداره کشور به مالیات مردم نیازی ندارد، جایگاه دولت واژگونه می‌شود و دولت‌ها به‌جای این که به مردم نیازمند و به آن‌ها پاسخگو باشند این مردم هستند که به دولت‌ها وابسته‌اند و این امر به‌ویژه در رقابت‌های انتخاباتی نمایان می‌شود. دولت‌های غیررانتی برای ماندن در قدرت مجبور به پاسخگویی به رای‌دهندگان و متقاعد کردن آن‌ها برای حفظ قدرت خود می‌باشند در حالی که دولت‌های رانتی سیاست‌های توزیع پول در میان مردم و هواداران خود را به اجرا می‌گذارند و سعی می‌کنند پول بیشتری را میان مردم توزیع نمایند (شوبرت، ۲۰۰۶؛ مور، ۲۰۰۴؛ اسپرویت، ۱۹۹۶).

اثر هزینه‌ای: که در آن ثروت می‌تواند هزینه‌های حکومت را برای حامی پروری افزایش دهد و در عوض از فشارهای بالقوه برای دموکراتیزه شدن بکاهد (راس، ۲۰۰۳؛ واتر باری، ۱۹۹۴: ۲۹). منطق اثر هزینه‌ایی، اندک تفاوتی با اثر مالیات‌ستانی دارد. اثر مالیات‌ستانی فرض می‌گیرد که در غیاب مالیات، مردم تمایل ذاتی برای داشتن دولت پاسخگو ندارد اما اثر هزینه‌ای می‌گوید که شهروندان انگیزه‌های پنهانی برای ایجاد دموکراسی دارند، اما این انگیزه از طریق پاداش‌های دولت سرکوب می‌شود (وندوال، ۱۹۹۸؛ راس، ۲۰۰۳).

اثر شکل‌دهی طبقات: وقتی درآمدهای نفتی پول‌های کافی را در اختیار حکومت قرار می‌دهد؛ حکومت با بذل و بخشش این پول‌ها، از شکل‌گیری گروه‌های اجتماعی مستقل از خود جلوگیری می‌کند. این گروه‌ها در صورت شکل‌گیری ممکن است حقوق سیاسی را از حکومت طلب کنند (کاتوزیان، ۱۳۸۶؛ اسکاچپول، ۱۳۸۲). چاد هاری (۱۹۹۴) استدلال می‌کند که دولت‌های خاورمیانه از درآمد نفت برای گسترش برنامه‌هایی استفاده کرده‌اند که صراحتاً طراحی شده بود تا جامعه را سیاست‌زدایی نماید. در همه وارد دولت‌ها عمده‌ا به

نابودی نهادهای مدنی مستقل اقدام کردند، درحالی که نهادهای دیگری به وجود آورند تا تعقیب اهداف سیاسی دولت را آسان تر سازند.

اثر سرکوب: منابع حاصل از رانت به دولت‌های رانتیر این امکان را می‌دهد که بیشتر برای امنیت داخلی هزینه کنند و به این ترتیب با گسترش دستگاه سرکوب، خواسته‌های شهروندان را نیز سرکوب کنند (اسکاچپول، ۱۳۸۲). دولت‌های خاورمیانه در امر سرمایه‌گذاری در زمینه‌های توسعه اجتماعی و سیاسی ضعیف عمل کرده‌اند و تنها در شرایط مطلوب بالا رفتن کیفیت تسلیحات نظامی را دنبال کرده‌اند.

اثر نوسازی: درآمد نفت توان سازماندهی نیروهای اجتماعی را تقویت نمی‌کند و تخصصی شدن مشاغل را که لازمه دموکراسی است به دنبال ندارد (راس، ۲۰۰۳، بیلاوی، ۱۹۸۷). شرط اساسی برای ایجاد دموکراسی از طریق نوسازی آن است که نوسازی به افزایش سطح آموزش انجامیده تا جوامع حرفه‌ای در رشته‌های گوناگون به وجود آید، وگرنه نوسازی خودبه‌خود به دموکراسی نمی‌انجامد. سطح بالای آموزش در جهان امروز مستلزم آشنایی با اوضاع بین‌المللی بوده و خواه‌ناخواه مطالبات سیاسی و اجتماعی را افزایش می‌دهد. تخصصی شدن افراد در جوامع حرفه‌ای موجب می‌شود تا افراد بتوانند از حربه تخصص خود در شبکه قدرت استفاده کنند و همزمان گروه‌های تخصصی مستقل از قدرت تشکیل شود. دولت‌های رانتی می‌توانند در عین نوسازی ظاهری (مدرنیزاسیون صوری) مانع افزایش سطح دانش، آگاهی عمومی و همچنین پا گرفتن گروه‌های متخصص شوند. در نتیجه نوسازی ظاهری بدون برخورداری از هسته اصلی‌اش، نوعی نوسازی خنثی خواهد بود که شباهتی با نمونه توسعه یافته خود نخواهد داشت (مهدوی، ۱۹۷۰؛ راس، ۲۰۰۳).

جانکوف، مونتالو و کئورل (۲۰۰۵) در تکمیل بحث وابستگی به منابع طبیعی به کمک های مالی خارجی توجه کرده‌اند. براساس این بحث، کمک خارجی «منابع بادآورده ای برای کشورهای دریافت‌کننده فراهم می‌آورد که ممکن است به رفتارهای رانت‌جویانه‌ای نظیر رفتارهای بحث شده در ادبیات وابستگی به منابع طبیعی منجر شود (معیدفر و احمدی، ۱۳۹۰: ۵). مطالعه ۱۰۸ کشور جهان که دریافت‌کننده کمک‌های خارجی در طول سال‌های ۱۹۶۰ تا ۱۹۹۹ بوده‌اند نشان می‌دهد که درصد دریافت‌کننده کمک‌های خارجی نسبت به

تولید ناخالص داخلی دارای نسبت معکوس با میزان دموکراسی در کشورهای مورد بررسی بوده است. همچنین مقایسه میزان تأثیر رانت کمک‌های خارجی در مقایسه با رانت منابع طبیعی نشان می‌دهد میزان افت دموکراسی و حاکمیت نیک در رانت‌جویی کمک‌های خارجی شدیدتر از رانت‌های منابع طبیعی است؛ در نتیجه کمک خارجی مصیبت بزرگ‌تری در مقایسه با منابع طبیعی است (همان، ۵-۶).

در واقع ضرورت تأکید بر نقش دولت‌های وابسته به منابع طبیعی و کمک‌های خارجی از آنجا ناشی می‌شود که این دولت‌ها از طریق مکانیسم‌های پیش‌گفته صورت‌بندی‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی خاصی را در سطح دولت - ملت‌ها به‌وجود آورده‌اند که تا حدود زیادی تثبیت و تعمیق حکمروایی نیک و رویه‌های دموکراتیک را به تعویق و با چالش عمده‌ای روبه‌رو ساخته است، که می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

درآمدهای مردم وابسته به حکومت و حکومت از مردم مستقل شده است (عکس شرط لازم برای تحقق حکمروایی نیک). این فرآیند وابستگی طبقات اجتماعی به دولت را فراهم ساخته است (سیگل، ۲۰۰۷؛ راس، ۲۰۰۱؛ واتچکن، ۱۹۹۹، ۲۰۰۴). استقلال مالی دولت به آن اجازه می‌دهد تا خواست‌های خود را بر جامعه تحمیل کند. به‌همین علت هم پاسخگویی دولت و هم قدرت چانه‌زنی جامعه برای حضور مؤثر در نظام سیاسی (مشارکت سیاسی) کاهش می‌یابد (هرب، ۲۰۰۵؛ ببالوی، ۱۹۸۷). دولت‌های رانتیر «مجبور نبودند سازوکارهای مالی قوی پاسخگویی مالی به شهروندان خویش داشته باشند» (کارل، ۱۳۸۸: ۱۰۷).

به‌علت برخورداری از درآمدهای کلان مالی، حکومت در مالکیت بزرگ شده و سبب برون رانی بخش خصوصی از اقتصاد می‌شود و در نتیجه تأثیر تصمیمات بخش خصوصی یا مردم در اقتصاد کمتر می‌شود (لوک دزایره، ۲۰۰۸؛ میلر و مارتین، ۲۰۰۰، تری کارل، ۲۰۰۸؛ صمدی و همکاران، ۱۳۹۱). تحت این شرایط دولت رقیبی بزرگ برای اقتصاد بخش خصوصی است و در نتیجه مانع از توزیع قدرت و آزادی‌های اقتصادی و اجتماعی می‌شود (دیکارولیس، ۲۰۰۳).

نتیجه دست‌اندازی‌ها و گسترش تصدی‌گری دولت، گسترش فساد سیاسی و اقتصادی است. در دولت رانتی‌ر تمرکز قدرت اقتصادی که ناشی از کنترل انحصاری دولت روی عواید رانتی است، به انحصار سیاسی نیز می‌انجامد. این ساخت قدرت به مرور شکل فئودالی‌عشره‌ای به خود می‌گیرد که در آن دولت در اختیار اعوان و اهل عشیره قرار می‌گیرد. یافته‌های چنگ و گولدن نشان می‌دهد که در میان رژیم‌های غیردموکراتیک، میزان فساد در حکومت دیکتاتوری سلطنتی و پاتریمونیال بیشتر از بقیه حکومت‌های غیردموکراتیک است (چنگ و گولدن، ۲۰۰۶: ۱۷). در واقع هرچه قدرت سیاسی در اختیار فرد یا گروه محدود و اقلیت، بیشتر متمرکز شود، انگیزه برای فساد بیشتر خواهد بود و قانون به نفع شخص و گروه اقلیت حاکم تفسیر خواهد شد (باربیر، ۲۰۱۰، هادلر و بهاتاچری، ۲۰۱۰؛ آکرمن، ۱۹۹۶: ۱۲). تحت این شرایط علاوه بر پایگاه سازی اجتماعی و سیاسی، به مخدوش شدن محرک‌های نهادی و عملکرد اقتصادی (دانینگ، ۲۰۰۵، ساکز و وارنر، ۲۰۰۱؛ دزایره، ۲۰۰۸)، فساد گسترده، قانون‌شکنی و تعدی به آزادی‌های سیاسی مردم، تصمیمات و سیاست‌گذاری‌های خودسرانه می‌انجامد (مارشال، ۲۰۰۱، عاصم اُغلو، ۲۰۰۰). علاوه بر این می‌توان گفت کشورهایی که بیشتر درآمد خود را از رانت منابع به دست می‌آورند، نیاز کمتر به وضع مالیات‌های داخلی و در نتیجه الزام کمتری را برای پاسخگویی به نیازهای شهروندان احساس می‌کنند. از این جهت، شهروندان انگیزه کمتری برای ایجاد سازوکارهای پاسخگویی و نظارت نزدیک بر دولت و مقامات دولتی دارند. فقدان نظارت دقیق، فضایی را برای سوء استفاده از موقعیت‌های دولتی برای منافع خصوصی توسط مقامات دولتی ایجاد می‌کند. بنابراین نبود رابطه بین دولت‌های وابسته به منابع طبیعی و شهروندان ممکن است سازوکار دیگری باشد که از آن طریق، درآمد ناشی از منابع به فساد کمک می‌کند (ژانگ، ۲۰۱۱).

دولت رانتی برای رفاه مردم و جلب همکاری نخبگان و گروه‌های اجتماعی و همچنین حفظ مشروعیت خود از درآمدهای رانت بهره می‌برد. این حمایت‌ها می‌تواند به شکل انتصاب به سمت‌ها و مشاغل حساس و مهم باشد، یا به شکل اعطای وام‌های بدون بهره یا کم‌بهره و سبزه‌های امتیازات (حاجی یوسفی، ۱۳۷۶؛ بیلاوی، ۱۹۸۷). از سوی دیگر، هزینه کردن درآمدهای عظیم رانتی به دیوانسالاری گسترده نیاز دارد. از این جهت نظام

بوروکراسی دولت رانتی به تدریج گسترش می‌یابد و بدین سان دولت فربه شده و تحرک خود را از دست می‌دهد؛ به گونه‌ای که هزینه‌های جاری آن به مراتب از هزینه‌های عمرانی و صنعتی آن بیشتر شده و منابع کشور نیز که باید صرف سرمایه‌گذاری و پیشرفت کشاورزی و صنعتی شود، خرج پرداخت حقوق به انبوه کارمندانی می‌شود که کارایی چندانی ندارد (کوثر، ۲۰۱۲؛ بوش، ۲۰۱۲، گری، ۲۰۱۱). اما دولت رانتی برای ادامه حیات خود و وابسته کردن افراد و گروه‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی به خود این روند را ادامه می‌دهد و در نتیجه توسعه واقعی در دولت‌های رانتی به وجود نمی‌آید (رحیمی، ۱۳۸۹: ۷۶).

جریان درآمدهای بادآورده به داخل اقتصاد موجب بروز بیماری هلندی و تضعیف صنعت و کشاورزی (بخش قابل مبادله) می‌شود. وفور منابع طبیعی با افزایش تقاضا برای کالاهای غیرقابل تجارت و تقویت نرخ ارز حقیقی همراه بوده و در نتیجه سهم کمتری از منابع نیروی کار و سرمایه به بخش صنعت تخصیص می‌یابد. بنابر این تولید قابل رقابت به جای بخش صنعت در بخش منابع طبیعی متمرکز می‌شود و نیروی کار و سرمایه و سرمایه‌گذاری که در صنعت باید به کار گرفته شود به بخش تولید کالاهای غیرقابل رقابت منتقل می‌شود. در این حالت وقتی اقتصاد، رونق را در صادرات منابع طبیعی خود تجربه کند، بخش قابل تجارت صنعت به علت تقویت نرخ ارز حقیقی، تضعیف می‌شود و هر نوع فرصتی برای سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی، به علت فقدان رقابت و آزادی در بخش صنعتی و تولیدی از بین می‌رود (لام و انتچکن، ۲۰۰۱، عیوضی، ۱۳۸۷).

(۶) درآمدهای رانتی موجب نظامی شدن سیاست و در نهایت افزایش خطر خشونت و منازعه سیاسی در کشورهای وابسته رانت می‌شود (راس، ۲۰۰۴؛ کارل، ۱۹۹۷، ۱۹۸۷، کولیر و هافلر، ۱۹۹۸؛ ۲۰۰۴؛ مور، ۱۳۸۸). در نظام‌های باز و دموکراتیک، در پرتو انبساط درونزای ساخت سیاسی و تکوین و گسترش بسترهای رقابت نهادینه در قالب تشکیل احزاب سیاسی، فعالیت‌های گروه‌های ذی‌نفوذ و برگزاری انتخابات ادواری در سطوح ملی و محلی، مکانیسم‌های توسل به تضاد و رفتارهای غیررقابتی به شدت محدود می‌شود، درحالی که افزایش کنترل حکومت بر منابع قدرت سیاسی احتمال رقابت سیاسی در بین گروه‌های مختلف را کاهش داده و به میل رفتار سیاسی قدرت‌مدارانه و اصلاح‌طلبانه به سوی رفتار

انقلابی، رادیکال و خشن منجر می‌شود. در نقطه مقابل دولت‌های رانتی که از ماهیتی غیردموکراتیک برخوردارند چنین ساختارها و فرصت‌هایی را در نطفه خفه می‌کنند و کنشگران سیاسی برای تغییر خط‌مشی‌ها یا کسب رهبری به خشونت پناه می‌برند (موتاسکو، ۲۰۰۹: ۴۳۳؛ تیلی، ۱۳۸۵؛ گار، ۱۳۷۶؛ سیندن، ۱۹۷۹، به نقل از طالبان، ۱۳۸۶). به عبارت دیگر اگر نظام سیاسی، واجد سطح بالایی از حقوق سیاسی و آزادی‌های مدنی نهاده شده باشد، گروه‌های متشکل از بازیگران سیاسی، مشارکت در فعالیت سیاسی اعتراضی غیرشورشی و غیرخشونت بار را مرجح خواهند دانست، چون چنین مشارکتی امکان عملی‌اش سهل، هزینه‌هایش ناچیز و منافع واقعی احتمالی‌اش بیشتر است (مولر و وید، ۱۹۹۴، اندرسون و اسلاکسن، ۲۰۱۳). براین اساس پیش بینی می‌شود که کشورهای با شکل حکومتی دموکراتیک که در آن‌ها مشارکت سیاسی و مدنی یک انتخاب ممکن و عملی برای تمامی گروه‌های ناراضی است در مقایسه با کشورهای با حاکمیت اقتدارگرا و غیردموکراتیک از سطوح کمتر کشمکش‌های شورشی و خشونت بار برخوردار باشند (طالبان و رجب‌زاده، ۱۳۸۶: ۶۲). در مقابل اگر نظام سیاسی، واجد سطوح پایینی از آزادی‌های مدنی و حقوق سیاسی باشد در این صورت مشارکت سیاسی برای کلیه گروه‌ها، ممکن و عملی نیست. البته صرف‌نظر از دیدگاه‌های فوق درباره تأثیرات درآمدهای حاصل از رانت بر گسترش منازعات و بی‌ثباتی سیاسی، نتایج مطالعات برخی از نظریه‌پردازان دولت رانتیر از ارتباط و همبستگی شدید درآمدهای حاصل از منابع رانتی با طولانی شدن و شدت جنگ‌های داخلی در دولت‌های رانتیر حکایت می‌کنند. برای مثال کولیر و هوفلر^۱ با مطالعه جنگ‌های جهان از سال ۱۹۶۰ تا سال ۱۹۹۰ دریافته‌اند کشورهایی که اتکای زیادی به درآمدهای حاصل از نفت و سایر منابع طبیعی دارند، به ازای هر دوره پنج ساله ۲۳ درصد در معرض جنگ‌های داخلی خواهند بود. این درحالی است که خطر جنگ داخلی در مدت مشابه برای کشورهای فاقد صادرات منابع طبیعی فقط نیم درصد خواهد بود (کولیر و هافلر، ۱۹۹۸).

پرواضح است که دولت‌هایی که سطح بالایی از بی‌ثباتی سیاسی و ناکارآمدی، عدم پاسخگویی، فساد سیاسی و اقتصادی و... را تجربه می‌کند از یک سو زمینه و شرایط لازم

برای تضعیف حقوق مالکیت، کاهش پیش‌بینی‌پذیری و قطعیت اجتماعی - به‌عنوان پیش-شرط‌های رشد و توسعه اقتصادی- را فراهم و از سوی دیگر امکان دستیابی جامعه به آزادی‌های اقتصادی نظیر آزادی تجاری، آزادی مالی، آزادی در سرمایه‌گذاری و آزادی شغلی و حرفه‌ای را کاهش می‌دهد.

از سوی دیگر نظریه‌پردازان دولت رانتیر با توسل به رابطه‌ای که میان مالیات‌دهی و نمایندگی وجود دارد، استدلال می‌کنند که دولت‌هایی که منابع خود را از محل اخذ مالیات‌ها تأمین می‌کنند، تمایل بیشتر به محاسبه‌پذیری و مسئولیت‌پذیری دارند. میک‌مور شرحی مبسوط از تأمین مالی دولت‌های رشد یافته از طریق مالیات به دست می‌دهد و فاصله‌ای که دولت‌ها از ملت‌هاشان می‌گیرند در کشورهای که منابع مالی‌شان از مالیات نیست. بنابر نظر مور دلایلی برای رابطه نمایندگی دولت و مردم در کشورهای وجود دارد که دولت متکی به منابع مالیاتی است. از جمله سیستم اداری منظمی که برای این دولت‌ها ضروری به نظر می‌رسد؛ نظام بوروکراتیک درستکار و کارآمدی را به‌وجود می‌آورد. از طرف دیگر مردم و دولت منافع مشترک پیدا می‌کنند؛ زیرا دولت برای تأمین منابع خود نیاز به مردمی دارد که ثروتمند باشند و درآمدی داشته باشند که بتوانند مالیات بیشتر بپردازند.

بنابراین، وسوسه برانداختن حکومت و توسل به خشونت و بی‌ثباتی سیاسی کمتر می‌شود، زیرا مدیریت نظام پیچیده اداری و تأمین منابع مشکل‌تر می‌شود (مور به نقل موثقی و غنیمی فرد، ۱۳۸۸: ۲۵۵-۲۵۶). میک‌مور به‌همین ترتیب خصوصیات را در کشورهای متکی به پول منابع طبیعی برمی‌شمرد که این کشورها را به سمت رشدنیافتگی و غیردموکراتیک بودن می‌کشاند. این ویژگی درست مقابل ویژگی‌های دولت‌های متکی بر مالیات است. استقلال دولت از شهروندان جای رابطه تنگاتنگ را می‌گیرد که در کشورهای نوع اول (مالیات گیرنده) بین دولت و شهروندان وجود دارد. دستگاه اداری ناکارآمد و انگیزه قوی برای کودتا و براندازی از نتایج مستقیم وابستگی به رانت است. به همین واسطه عدم شفافیت در هزینه‌های مالی دولتی، عدم انگیزه برای سیاست‌های مدنی و آسیب‌پذیری مالی نیز در این کشورها به‌وجود می‌آید که همه این عوامل می‌تواند در نگه داشتن دولت‌ها در حالت غیردموکراتیک و اقتدارگرا موثر باشد (همان، ۲۵۶).

در مجموع، براساس تئوری‌ها و نتایج مطالعات تحقیقی مطرح شده، دولت و شهروندان به‌عنوان دو مجموعه مرتبط، در صورتی می‌توانند تعامل ارگانیک خود را تداوم بخشند که از وضعیت یکدیگر اطلاع داشته‌اند و یک نظام جامع و صادق اطلاع‌رسانی کاستی آن دو را به یکدیگر منتقل نماید. یکی از این کانال‌های موثر و پایدار اطلاع دولت از جامعه، نظام مالیاتی است. بدین صورت که دولت نوع و میزان تقاضاهای خود به جامعه را ارائه و در قبال آن از مطالبات اجتماعی شهروندان اطلاع می‌یابد. منابع اقتصادی رانتی موجب گسست در این روند شده و از طرف دیگر دولت را نسبت به حفظ و تمرکز قدرت حریص‌تر می‌گرداند (کبیری، ۱۳۹۵: ۶۰-۶۱). لذا درآمدهای رانتی از طریق اثرگذاری بر جامعه مدنی و سرمایه اجتماعی، ارزش‌های سازنده اجتماع را تضعیف می‌کند. در حقیقت اتکال دولت به منابع اقتصادی رانتی، عامل اساسی پیدایش شکاف دولت و جامعه است. درآمدهای رانتی با افزایش استقلال دولت از جامعه به‌لحاظ منابع مادی به ایجاد تمرکز قدرت در دست‌های دولت‌های رانتی منجر می‌شود. این شرایط، تعامل ارگانیک دولت با جامعه در سایه اعتماد و مشارکت نهادهای اجتماعی مردمی و بخش خصوصی را بر هم می‌زند. براین اساس می‌توان استدلال کرد که یکی از دلایل قانون‌گریزی، فقدان آزادی اجتماعی، عدم پاسخگویی دولت، بی‌ثباتی سیاسی و عدم شفافیت که از شاخص‌های اساسی کیفیت حکمروایی پایین است؛ برخورداری دولت از منابع مالی مستقل از مردم می‌تواند باشد. نوع منابع مالی دولت بر مناسبات آن با جامعه تأثیر گذاشته و به تبع آن بر کیفیت حکمروایی موثر می‌افتد.

فرضیه‌های تحقیق

فرضیه‌هایی که در این تحقیق مورد بررسی و آزمون قرار می‌گیرد به‌صورت زیر می‌باشند:

هرچه وابستگی دولت به منابع رانتی بیشتر باشد، حاکمیت قانون کاهش و بالعکس هرچه وابستگی دولت به مالیات بیشتر باشد، حاکمیت قانون افزایش می‌یابد.

هرچه وابستگی دولت به منابع رانتی بیشتر باشد، پاسخگویی دولت و حق اظهار نظر مردم کاهش و بالعکس هرچه وابستگی دولت به مالیات بیشتر باشد، پاسخگویی دولت و حق اظهار نظر مردم افزایش می‌یابد.

هرچه وابستگی دولت به منابع رانتی بیشتر باشد، کنترل فساد کاهش و بالعکس هرچه وابستگی دولت به مالیات بیشتر باشد، کنترل فساد افزایش می‌یابد.

هرچه وابستگی دولت به منابع رانتی بیشتر باشد، کارایی و اثربخشی دولت کاهش و بالعکس هرچه وابستگی دولت به مالیات بیشتر باشد، کارایی و اثربخشی دولت افزایش می‌یابد.

هرچه وابستگی دولت به منابع رانتی بیشتر باشد، ثبات سیاسی کاهش و بالعکس هرچه وابستگی دولت به مالیات بیشتر باشد، ثبات سیاسی افزایش می‌یابد.

هرچه وابستگی دولت به منابع رانتی بیشتر باشد، کیفیت تنظیمی دولت کاهش و بالعکس هرچه وابستگی دولت به مالیات بیشتر باشد، کیفیت تنظیمی دولت افزایش می‌یابد.

هرچه وابستگی دولت به منابع رانتی بیشتر باشد، آزادی‌های اقتصادی کاهش و بالعکس هرچه وابستگی دولت به مالیات بیشتر باشد، آزادی‌های اقتصادی افزایش می‌یابد.

هرچه وابستگی دولت به منابع رانتی بیشتر باشد، اندازه دولت و تصدی‌گری آن افزایش و بالعکس هرچه وابستگی دولت به مالیات بیشتر باشد، تصدی‌گری دولت کاهش می‌یابد.

روش تحقیق

روش تحقیق در این مطالعه روش تطبیقی-کمی است. این روش امکان شناخت «ترتیبات تجربی» بین موارد را فراهم می‌نماید. واحد تحلیل، ملی - عرضی^۱ بوده و از داده‌های ثانویه برای بررسی متغیرهای پژوهش استفاده شده است. این چند منبع داده عمده عبارتند از: مجموعه داده‌های بانک جهانی^۲، خانه آزادی^۳، گزارش‌های مربوط به حکمروایی خوب^۴، گزارش‌های مربوط به حقوق و آزادی‌های اقتصادی^۵ و زمان مورد مطالعه برای شاخص‌های حکمروایی خوب (۱۵۰ مورد)، شاخص اندازه دولت، شاخص سهم رانت و مالیات در تولید

1- A cross-National study

2- world Bank

3- Freedom House

4- Good Governance Index

5- The Heritage Foundation

ناخالص داخلی، شاخص حقوق و آزادی‌های اقتصادی و شاخص نسبت کمک‌های خارجی به کل درآمدهای دولت از بازه سال‌های ۲۰۰۰-۲۰۱۵ بوده است. جامعه آماری این پژوهش نیز از ۱۳۵ کشور که سهم منابع طبیعی آن‌ها در تولید ناخالص داخلی غیرصفر و همچنین ۹۶ کشور که سهم کمک‌های مالی خارجی در کل درآمدهای دولت غیرصفر بوده، تشکیل شده است. برای آزمون فرضیه‌های تحقیق از نرم‌افزار SPSS و از تکنیک رگرسیون خطی نیز استفاده خواهد شد.

تعاریف مفهومی و اندازه‌گیری متغیرهای تحقیق

جدول شماره ۱: تعاریف مفهومی و عملیاتی شاخص‌ها، منبع و سال داده‌ها

منبع و سال	تعاریف مفهومی و عملیاتی شاخص‌ها	متغیرها
Goodgovernance 2000-2015	این مولفه، ادراک مردم از احتمال تزلزل دولت و یا کنار گذاشتن آن را توسط ابزارها و نیروهای غیرمشروط و خشن می‌سنجد که به خشونت و تروریسم دامن می‌زند. بازه عددی ثبات سیاسی بین ۲/۵- و ۲/۵+ قرار دارد.	ثبات سیاسی
Goodgovernance 2000-2015	این مولفه تلقی مردم از میزان اعتماد مردم و پایبندی به قانون و حاکمیت آن در جامعه را می‌سنجد و به‌ویژه، اعتماد به پلیس، تحکیم قرارداد، حقوق مالکیت، دادگاه‌ها و هم چنین تلقی از میزان جرم و خشونت را برآورد می‌کند. بازه عددی حاکمیت قانون بین ۲/۵- و ۲/۵+ قرار دارد.	حاکمیت قانون
Goodgovernance 2000-2015	این مفهوم درک از میزان توانایی مشارکت شهروندان در انتخابات دولت و همچنین درک از میزان آزادی بیان، آزادی انجمن‌ها و آزادی رسانه‌ها را می‌سنجد. بازه عددی پاسخگویی دولت و حق اظهار نظر مردم بین ۲/۵- و ۲/۵+ قرار دارد.	پاسخگویی و حق اظهار نظر
Goodgovernance 2000-2015	این شاخص درک از توانایی حکومت در صورت‌بندی و اجرای تنظیمات و سیاست‌های عمیق را می‌سنجد که توسعه بخش خصوصی را بهبود می‌بخشد. بازه عددی کیفیت تنظیمی دولت بین ۲/۵- و ۲/۵+ قرار دارد.	کیفیت تنظیمی (بوروکراسی)
Goodgovernance 2000-2015	این مولفه ناظر بر ادراکات از کیفیت خدمات عمومی، کیفیت خدمات مدنی و میزان استقلال آن از فشارهای سیاست، کیفیت صورت‌بندی و اجرای سیاست، و اعتبار تعهدات حکومت به این سیاست‌هاست. بازه عددی کارایی دولت بین ۲/۵- و ۲/۵+ قرار دارد.	اثربخشی و کارایی دولت
Goodgovernance 2000-2015	این مولفه، درک مردم از میزان آن که قدرت عموم برای به دست آوردن منافع شخصی اعمال می‌کند شامل اشکال بزرگ و خرد فساد و همچنین، تلقی مردم از تسخیر دولت توسط نخبگان و گروه‌های ذینفع خصوصاً را می‌سنجد. بازه عددی کنترل فساد بین ۲/۵- و ۲/۵+ قرار دارد.	کنترل فساد
The Heritage Foundation 2000-2015	این مولفه آزادی کسب‌وکار، آزادی تجارت، آزادی مالیاتی، مخارج دولت، آزادی پولی، آزادی سرمایه‌گذاری، آزادی تامین مالی، حقوق مالکیت، آزادی از فساد مالی و آزادی نیروی کار را می‌سنجد. بازه عددی آزادی اقتصادی، بین ۰ تا ۱۰۰ قرار دارد.	آزادی اقتصادی
The Heritage Foundation 2000-2015	این مولفه از طریق معرف‌های «آزادی اقتصادی» به‌دست آمده است. در این مجموعه داده شاخص اندازه دولت براساس معرف‌های اقتصادی سنجید شده‌اند. منظور از اندازه دولت، اندازه اقتصادی دولت (میزان تصدی‌گری دولت در بخش اقتصادی) می‌باشد. بازه عددی اندازه دولت، بین ۰ تا ۱۰۰ قرار دارد.	اندازه دولت
world Bank 2000-2015	این مولفه از طریق سهم منابع طبیعی مانند نفت و گاز و... در تولید ناخالص داخلی کشورها مورد	دولت رانتیر

سنجش قرار گرفته است. براین اساس، هرچه سهم منابع طبیعی در تولید ناخالص داخلی بیشتر باشد، ماهیت دولت رانتیر است. این مولفه همچنین طریق سهم کمک‌های مالی خارجی در تولید ناخالص داخلی و همچنین درآمدهای دولت، مورد سنجش قرار گرفته است. براین اساس، هرچه سهم کمک‌های مالی خارجی در تولید ناخالص داخلی و در درآمد دولت بیشتر باشد، ماهیت دولت، رانتیر است.

یافته‌های توصیفی تحقیق

جدول شماره ۲: اطلاعات و آماره های توصیفی

نام سازه	دامنه تغییرات	میانگین	انحراف استاندارد	ضریب چولگی	تعداد کشورها (داده معتبر)
حاکمیت قانون	۱۰-۰	۴۵/۱۶	۲۹/۱۸	۰/۰۲۱	۱۵۰
پاسخگویی	۱۰-۰	۴۲/۱۳	۲۹/۰۸	۰/۰۲۶	۱۵۰
کنترل فساد	۱۰-۰	۴۵/۲۶	۲۹/۴۹	۰/۰۳۶	۱۵۰
کارایی دولت	۱۰-۰	۴۷/۵۰	۲۹/۴۱	۰/۰۲۱	۱۵۰
کیفیت تنظیمی	۱۰-۰	۴۷/۵۷	۲۹/۴۳	۰/۰۲	۱۵۰
ثبات سیاسی	۱۰-۰	۴۱/۶۸	۲۶/۲۶	۰/۰۴۱	۱۵۰
آزادی اقتصادی	۱۰-۰	۵۷/۸۶	۱۱/۸۷	-۰/۰۳	۱۳۰
اندازه دولت	۱۰-۰	۶۷/۲۸	۱۹/۴۲	-۱/۰۳۳	۱۳۰
کمک‌های خارجی	۲۰-۰	۸/۳۷	۶/۸۰	۳/۰۷۱	۹۶
درآمدهای مالیاتی	۳۵-۰	۱۴/۹۷	۶/۳۷	۱۴/۰۶	۱۳۰
منابع طبیعی	۶۰-۰	۲۱/۶۰	۱۷/۳۳	۲/۸۰	۱۲۵

منبع داده‌ها: world Bank, Freedom House, Good Governance Index, The Heritage Foundation:

داده‌های حاکمیت قانون، حق اظهارنظر و پاسخگویی دولت، کنترل فساد، کارایی دولت، کیفیت تنظیمی دولت، ثبات سیاسی برای ۱۵۰ کشور قابل دسترسی بوده است. با توجه به خاصیت تحلیل تطبیقی کمی و فقدان دسترسی به داده‌های معتبر تمامی کشورها در مطالعه رابطه ماهیت منابع دولت و کیفیت حکمروایی تلاش شده است تا نمونه‌ای گردآوری شود که از جهت جغرافیایی، مناطق عمده جهان را پوشش دهد و هم از نظر بازه زمانی (۲۰۰۰-۲۰۱۵) مورد مطالعه، محدوده قابل توجهی را شامل شود. براین اساس داده‌های کشورهای مختلف برحسب متغیرهای تحقیق به‌صورت جداگانه جمع‌آوری و مورد تحلیل و آزمون قرار

گرفته است. در این تحقیق، برای متغیرهای آزادی اقتصادی ۲۵ مورد، اندازه دولت ۱۲۵ مورد، کمک‌های مالی خارجی ۹۶ مورد، درآمدهای مالیاتی ۱۳۰ مورد و منابع طبیعی ۱۲۵ مورد، داده استفاده شده است. میانگین داده‌های سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۵ - کشورهای مختلف- برای متغیر حاکمیت قانون (۴۵)، حق اظهار نظر و پاسخگویی (۴۳)، کنترل فساد (۴۶)، کارایی دولت (۴۸)، کیفیت تنظیمی (۴۸)، ثبات سیاسی (۴۲)، آزادی اقتصادی (۵۸)، اندازه دولت (۶۷)، سهم کمک‌های مالی خارجی از کل درآمدهای دولت (۹)، سهم مالیات در تولید ناخالص داخلی (۱۵) و سهم منابع طبیعی در تولید ناخالص داخلی (۲۲) بوده است.

جدول شماره ۳: آزمون فرضیه‌های تحقیق

متغیر وابسته	متغیرهای مستقل	R	R2	A.R2	F	Sig.F	Constan T	Beta	T	Sig.t
حاکمیت قانون	وابستگی به مالیات	۶۲/۷	۳۹/۳	۳۷/۶	۲۲/۹۱	۰/۰۰	۴۵/۳۸	۲۸/۰	۲/۸۸	۰/۰۰
	وابستگی به منابع طبیعی							-۳۵/۲	-۴/۰۶	۰/۰۲
	کمک مالی خارجی							-۳۲/۲	-۴/۶۳	۰/۰۰
پاسخگویی و حق اظهار نظر	وابستگی به مالیات	۷۱/۶	۵۱/۳	۵۰/۰	۳۸/۹۸	۰/۰۰	۳۵/۹۸	۴۲/۶	۵/۷۶	۰/۰۰
	وابستگی به منابع طبیعی							-۳۳/۹	-۴/۶۵	۰/۰۲
	کمک مالی خارجی							-۲۰/۴	-۳/۰۰	۰/۰۳
کنترل فساد	وابستگی به مالیات	۶۱/۲	۳۷/۵	۳۵/۸	۲۲/۲۱	۰/۰۰	۴۴/۴۷	۲۲/۲	۲/۶۵	۰/۰۰
	وابستگی به منابع طبیعی							-۳۱/۷	-۳/۸۳	۰/۰۰
	کمک مالی خارجی							-۳۷/۹	-۵/۲۷	۰/۰۰

ادامه جدول شماره ۳

[illegible]

براساس فرضیه اول "میزان حاکمیت قانون تابعی از میزان درآمدهای ناشی از منابع رانتی (منابع طبیعی و کمک خارجی) و مالیات است". مقادیر حاصل از آزمون رگرسیون نشان می‌دهد که منابع رانتی و مالیات با اطمینان بالای ۹۹ ($\text{Sig} < 0.1$) درصد بر حاکمیت قانون موثرند و ضریب تعیین تغییرات حاکمیت قانون با استفاده از منابع رانتی و مالیات در نمونه ۳۷/۶ است. بنابراین فرضیه اول پژوهش ابطال نشد. براساس فرمول زیر می‌توان میزان حاکمیت قانون را در کشورهای مورد بررسی با استفاده از داده‌های سهم مالیات و منابع طبیعی در تولید ناخالص داخلی و نسبت کمک‌های رسمی توسعه به کل درآمدهای دولت در ۳۷/۶ از موارد پیش‌بینی کرد:

$$۳۲/۰ - * \text{وابستگی به کمک های خارجی} + ۳۵/۲ - * \text{وابستگی به منابع طبیعی} + ۲۸/۰ * \text{وابستگی به مالیات} = ۴۵/۳۸ \text{ حاکمیت قانون}$$

در ادامه باید به آن توجه کرد مقادیر بتا (۳۵/۲-) نشانگر اهمیت بیشتر وابستگی دولت به منابع طبیعی در تبیین حاکمیت قانون است.

فرضیه دوم مدعی است "میزان پاسخگویی دولت و حق اظهار نظر مردم تابعی از میزان درآمدهای ناشی از منابع رانتی (منابع طبیعی و کمک خارجی) و مالیات است". مقادیر حاصل از آزمون رگرسیون نشان می‌دهد که منابع رانتی (منابع طبیعی و کمک‌های خارجی) و مالیات با اطمینان بالای ۹۹ ($\text{Sig} < 0.1$) درصد بر حق اظهار نظر و پاسخگویی موثرند و ضریب تعیین تغییرات حق اظهار نظر با استفاده از منابع رانتی و مالیات در نمونه ۵۰/۰ است. بنابراین فرضیه دوم تحقیق ابطال نشد. براساس فرمول زیر میزان حق اظهار نظر در کشورهای مورد بررسی با استفاده از داده‌های متغیرهای تحقیق را در ۵۰/۰ درصد از موارد پیش‌بینی کرد:

$$۲۰/۰ - * \text{وابستگی به کمک های خارجی} + ۳۳/۹ - * \text{وابستگی به منابع طبیعی} + ۴۲/۶ * \text{وابستگی به مالیات} = ۲۵/۹۸ \text{ حق اظهار نظر}$$

نکته‌ای که در ادامه باید به آن توجه کرد مقادیر بتا (۴۲/۶) نشانگر اهمیت بیشتر وابستگی دولت به مالیات در تبیین حق اظهار نظر و پاسخگویی است.

براساس فرضیه سوم "میزان کنترل فساد تابعی از میزان درآمدهای ناشی از منابع رانتی (منابع طبیعی و کمک خارجی) و مالیات است". مقادیر حاصل از آزمون رگرسیون نشان می‌دهد که منابع رانتی (منابع طبیعی و کمک های خارجی) و مالیات با اطمینان بالای ۹۹ ($Sig < 0.1$) درصد بر کنترل فساد موثرند و ضریب تعیین تغییرات کنترل فساد با استفاده از منابع طبیعی و مالیات در نمونه ۳۵/۸ است. بنابراین فرضیه سوم تحقیق ابطال نشد. براساس فرمول زیر می‌توان میزان کنترل فساد را در کشورهای مورد بررسی با استفاده از داده‌های متغیرهای تحقیق در ۳۵/۸ درصد از موارد پیش‌بینی کرد:

$$۳۷/۹ - * \text{وابستگی به کمک های خارجی} + ۳۱/۷ - * \text{وابستگی به منابع طبیعی} + ۲۲/۲ * \text{وابستگی به مالیات} = ۴۴/۴۷ \text{ = کنترل فساد}$$

نکته‌ای که در ادامه باید به آن توجه کرد مقادیر بتا (۳۲/۹-) نشانگر اهمیت بیشتر وابستگی دولت به کمک‌های مالی خارجی در تبیین کنترل فساد است.

براساس فرضیه چهارم "میزان کیفیت تنظیمی (بوروکراسی) تابعی از میزان درآمدهای ناشی از منابع رانتی (منابع طبیعی و کمک خارجی) و مالیات است". مقادیر حاصل از آزمون رگرسیون نشان می‌دهد که منابع رانتی (منابع طبیعی و کمک خارجی) و مالیات با اطمینان بالای ۹۹ ($Sig < 0.1$) درصد بر کیفیت تنظیمی موثرند و ضریب تعیین تغییرات کیفیت تنظیمی با استفاده از منابع طبیعی و کمک خارجی و مالیات در نمونه ۴۱/۴ است. بنابراین فرضیه تحقیق ابطال نشد. براساس فرمول زیر می‌توان میزان کیفیت تنظیمی را در کشورهای مورد بررسی با استفاده از داده‌های متغیرهای تحقیق ۴۱/۴ درصد از موارد پیش‌بینی کرد:

$$۳۰/۱ - * \text{وابستگی به کمک های خارجی} + ۴۱/۱ - * \text{وابستگی به منابع طبیعی} + ۲۱/۳ * \text{وابستگی به مالیات} = ۴۸/۲۴ \text{ = کیفیت تنظیمی}$$

نکته‌ای که در ادامه باید به آن توجه کرد مقادیر بتا (۴۱/۱-) نشانگر اهمیت بیشتر وابستگی دولت به منابع طبیعی در تبیین کیفیت تنظیمی است.

فرضیه پنجم مدعی است "میزان ثبات سیاسی تابعی از میزان درآمدهای ناشی از منابع رانتی (منابع طبیعی و کمک‌های خارجی) و مالیات است". مقادیر حاصل از آزمون رگرسیون نشان می‌دهد که منابع رانتی (منابع طبیعی و کمک خارجی) و مالیات با اطمینان بالای ۹۹ ($Sig < 0.1$) درصد بر ثبات سیاسی موثرند و ضریب تعیین تغییرات ثبات سیاسی با استفاده از منابع رانتی و مالیات در نمونه ۲۶/۴ است. بنابراین فرضیه چهارم تحقیق ابطال نشد. براساس فرمول زیر می‌توان میزان بی‌ثباتی سیاسی را در کشورهای مورد بررسی با استفاده از داده‌های متغیرهای تحقیق در ۲۶/۴ درصد از موارد پیش‌بینی کرد:

$$۳۲.۸ - * \text{وابستگی به کمک‌های خارجی} + ۱۶.۰ * \text{وابستگی به منابع طبیعی} + ۳۵.۳ * \text{وابستگی به مالیات} = ۲۵.۸۶ \text{ ثبات سیاسی}$$

نکته‌ای که در ادامه باید به آن توجه کرد مقادیر بتا (۳۵.۳) نشانگر اهمیت بیشتر وابستگی دولت به مالیات در تبیین ثبات سیاسی است.

فرضیه ششم مدعی است "میزان کارایی دولت تابعی از میزان درآمدهای ناشی از منابع رانتی (منابع طبیعی و کمک خارجی) و مالیات است". مقادیر حاصل از آزمون رگرسیون نشان می‌دهد که منابع رانتی (منابع طبیعی و کمک خارجی) و مالیات با اطمینان بالای ۹۹ ($Sig < 0.1$) درصد بر کارایی دولت موثرند و ضریب تعیین تغییرات کارایی دولت با استفاده از منابع رانتی و مالیات در نمونه ۴۶/۰ است. بنابراین فرضیه پنجم تحقیق ابطال نشد. براساس فرمول زیر می‌توان میزان کارایی دولت را در کشورهای مورد بررسی با استفاده از داده‌های متغیرهای تحقیق در ۴۶/۰ درصد از موارد پیش‌بینی کرد:

$$۴۶/۳ - * \text{وابستگی به کمک‌های خارجی} + ۳۰/۵ * \text{وابستگی به منابع طبیعی} + ۲۰/۸ * \text{وابستگی به مالیات} = ۵۰/۴۶ \text{ کارایی دولت}$$

نکته‌ای که در ادامه باید به آن توجه کرد مقادیر بتا (۴۶.۳-) نشانگر اهمیت بیشتر وابستگی دولت به کمک مالی خارجی در تبیین کارایی دولت است.

براساس فرضیه هفتم "میزان آزادی‌های اقتصادی تابعی از میزان درآمدهای ناشی از منابع رانتی (منابع طبیعی و کمک خارجی) و مالیات است". مقادیر حاصل از آزمون رگرسیون

نشان می‌دهد که منابع رانتی (منابع طبیعی و کمک خارجی) و مالیات با اطمینان بالای ۹۹ ($\text{Sig} < 0.1$) درصد بر آزادی‌های اقتصادی موثرند و ضریب تعیین تغییرات آزادی‌های اقتصادی با استفاده از منابع رانتی و مالیات در نمونه ۳۳/۳ است. براساس فرمول زیر می‌توان میزان آزادی اقتصادی را در کشورهای مورد بررسی با استفاده از داده‌های متغیرهای تحقیق در ۳۳/۳ درصد از موارد پیش‌بینی کرد:

$$۱۴/۷ - * \text{وابستگی به کمک‌های خارجی} + ۳۱/۵ - * \text{وابستگی به منابع طبیعی} + ۴۰/۴ * \text{وابستگی به مالیات} = ۵۹/۸۴ \text{ آزادی اقتصادی}$$

نکته‌ای که در ادامه باید به آن توجه کرد مقادیر بتا (۴۰.۴) نشانگر اهمیت بیشتر وابستگی دولت به مالیات در تبیین آزادی اقتصادی است.

فرضیه هشتم مدعی است "میزان اندازه دولت تابعی از میزان درآمدهای ناشی از منابع رانتی (منابع طبیعی و کمک خارجی) و مالیات است". مقادیر حاصل از آزمون رگرسیون نشان می‌دهد که منابع طبیعی و مالیات با اطمینان بالای ۹۹ ($\text{Sig} < 0.1$) درصد بر اندازه دولت موثرند و ضریب تعیین تغییرات اندازه دولت با استفاده از منابع طبیعی و مالیات در نمونه ۳۰/۹ است. بنابراین فرضیه هشتم تحقیق ابطال نشد. براساس فرمول زیر می‌توان میزان اندازه دولت را در کشورهای مورد بررسی با استفاده از داده‌های متغیرهای تحقیق در ۳۰/۹ درصد از موارد پیش‌بینی کرد:

$$۳۰/۶ * \text{وابستگی به کمک‌های خارجی} + ۱۱/۵ * \text{وابستگی به منابع طبیعی} + ۳۶/۶ - * \text{وابستگی به مالیات} = ۷۹/۱۰ \text{ اندازه دولت}$$

نکته‌ای که در ادامه باید به آن توجه کرد مقادیر بتا (۳۶/۶-) نشانگر اهمیت بیشتر وابستگی دولت به مالیات در تبیین اندازه دولت است.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف این پژوهش تبیین رابطه ماهیت منابع مالی دولت و کیفیت حکمروایی بود. میزان حکمروایی نیک در بین کشورهای مورد بررسی تابعی از میزان درآمدهای ناشی از منابع طبیعی و کمک‌های مالی خارجی و مالیات است، به نحوی که به تناسب افزایش درآمد

منابع طبیعی، میزان حکمروایی خوب کاهش و برعکس با افزایش درآمدهای مالیاتی، حکمروایی خوب افزایش می یابد.

نتایج تحقیق حاضر نشان می دهد که در کشورهایی که بخش اعظم درآمدهای دولت حاصل فروش منابع طبیعی و یا کمک های مالی خارجی است، میزان حاکمیت قانون و به تبع آن میزان کنترل فساد کمتر از کشورهایی است که در آن دولت ها متکی به درآمدهای مالیاتی هستند. چنانچه مطالعات (ژانگ، ۲۰۱۱؛ بارییر، ۲۰۱۰؛ هادلر و بهاتاچری، ۲۰۱۰؛ چنگ و گولدن، ۲۰۰۶؛ آکرم، ۱۹۹۶ و...) نیز نشان داده است که وابستگی دولت به منابع طبیعی و کمک های مالی خارجی از طریق تولید تراکم قدرت در دست عده ای قلیل در جامعه این امکان را فراهم می سازد تا عده ای محدود کار کنترل توزیع فرصت ها و تدوین قوانین را در دست بگیرند. بدیهی است که تحت چنین شرایطی مفهوم حاکمیت قانون و مفهوم برابری در برابر قانون تحت الشعاع قرار خواهد گرفت. در چنین شرایطی که قانون آلت دست اقویاست - ضعف حاکمیت قانون - امکان تحقق انواع فساد سیاسی، اداری و اقتصادی نیز اجتنابناپذیر خواهد بود.

بنابر نتایج تحقیق حاضر، چنانچه دولت منابع مالی مستقل از جامعه داشته باشد و برای اداره امور و تأمین هزینه ها نیازمند مالیات ستانی از شهروندان خود نباشد، به جامعه پاسخگو نخواهد بود و هرگونه حق اظهار نظر آزاد را نیز از شهروندان سلب می کند. چنانچه مطالعات (سیگل، ۲۰۰۷؛ هرب، ۲۰۰۵؛ واتچکن، ۲۰۰۴؛ راس، ۲۰۰۱؛ بیلاوی، ۱۹۸۷ و...) نشان داده است که دولت های رانتیر به واسطه استقلال مالی از طریق فرآیند وابسته ساختن طبقات، منابع قدرت و حقوق و فرصت های چانه زنی را از جامعه سلب و از این طریق حق هرگونه مشارکت سیاسی و اجتماعی و حق اظهار نظر را در جامعه از بین می برد. بدیهی است که تحت شرایط فقدان مطالبه گری و حق اظهار نظر از سوی جامعه، دولت های رانتیر مسئولیت و تکلیف پاسخگویی در قبال جامعه نخواهند داشت.

علاوه بر این در بخش نظری تحقیق استدلال شد که افزایش کنترل حکومت بر منابع قدرت سیاسی احتمال رقابت سیاسی در بین گروه های مختلف را کاهش می دهد و به میل رفتار سیاسی قدرت مدارانه و اصلاح طلبانه به سوی رفتار انقلابی، رادیکال و خشن منجر

می‌شود. چنانچه مطالعات (راس، ۲۰۰۴؛ کارل، ۱۹۸۷، ۱۹۹۷؛ کولیر و هافلر، ۱۹۹۸، ۲۰۰۴؛ مور، ۱۳۸۸؛ اسکاچپول، ۱۳۸۲) نشان داده است که دولت‌هایی که بیش از مالیات به منابع طبیعی و کمک‌های مالی خارجی وابسته هستند از طریق تراکم قدرت سیاسی، عدم پاسخگویی و ممانعت از شکل‌گیری و بسط رقابت‌های نهادینه شده در قالب تشکیل احزاب سیاسی، فعالیت‌های گروه‌های ذی‌نفوذ و برگزاری انتخابات ادواری در سطوح ملی و محلی، امکان توسل به تضادها و رفتارهای غیررقابتی و خشونت‌آمیز را فراهم می‌سازند. نتایج تحقیق حاضر نیز نشان داده است بین بی‌ثباتی سیاسی و ماهیت منابع مالی دولت رابطه معناداری وجود دارد، به‌گونه‌ای که با افزایش درآمدهای مالیاتی دولت بی‌ثباتی سیاسی کاهش و با افزایش سهم درآمدهای حاصل از فروش منابع طبیعی بی‌ثباتی سیاسی افزایش می‌یابد.

همان‌طور که در بخش نظری استدلال شد، هزینه کردن درآمدهای عظیم رانتی به دیوانسالاری گسترده نیاز دارد. از این جهت نظام بوروکراسی دولت رانتی به‌تدریج گسترش می‌یابد و بدین‌سان دولت فربه شده و تحرک خود را از دست می‌دهد؛ به‌گونه‌ای که هزینه‌های جاری آن به مراتب از هزینه‌های عمرانی و صنعتی آن بیشتر شده و منابع کشور نیز که باید صرف سرمایه‌گذاری و پیشرفت کشاورزی و صنعتی شود، خرج پرداخت حقوق به انبوه کارمندی می‌شود که کارایی چندانی ندارد. چنانچه چنگ و گولدن (۲۰۰۶، کولیر و هوفلر، ۱۹۹۸؛ مور، ۱۹۹۴؛ کارل، ۱۹۹۷ و.....) در مطالعات خود اشاره کرده‌اند از آنجا که دولت برای تأمین مالی مخارج خود به‌دلیل وجود منابع رانت برون‌زا احساس نگرانی نمی‌کند، جهت به وجود آوردن نهادهای کارآ و ساختار سازمانی با زیرساخت قانونی کارآ و دقیق و نیز نظام بوروکراتیک متمرکز، قوی و منسجم جهت مالیات ستانی از اقتصاد داخلی حساسیتی نخواهد داشت. پُر واضح است که چنین امری موجبات ضعف سیستم بوروکراتیک و نظام تصمیم‌گیری دولت را فراهم می‌سازد. نتایج تحقیق حاضر نیز نشان داد که رابطه معناداری بین اتکاء دولت به منابع طبیعی و کمک‌های مالی خارجی و مالیات و اندازه و هزینه‌های دولت، کیفیت تنظیمی آن (بوروکراسی) و کارایی دولت وجود دارد. بدین گونه که هرچه وابستگی دولت به مالیات بیشتر باشد، هزینه‌های دولت کاهش، اندازه دولت کوچک‌تر

می‌شود و میزان تصدی‌گری دولت در بخش اقتصاد کاهش می‌یابد و در نتیجه آزادی‌های اقتصادی بیشتر می‌شود. علاوه بر این با کاهش هزینه‌های اضافی دولت، کیفیت بوروکراتیک و کارایی دولت افزایش می‌یابد. بالعکس هرچه سهم درآمدهای رانتی دولت بیشتر باشد، هزینه‌های دولت بیشتر، اندازه دولت بزرگ‌تر، برون‌رانی بخش خصوصی توسط دولت افزایش و در نتیجه آزادی‌های اقتصادی محدودتر می‌شود. علاوه بر این با افزایش هزینه‌های دولت، کیفیت بوروکراتیک و کارایی دولت نیز کاهش می‌یابد.

البته به‌هیچ‌روی نباید تصور کرد کیفیت حکمروایی صرفاً متأثر از منابع مالی دولت (وابستگی به منابع طبیعی و مالیات) است. در واقع وابستگی دولت به مالیات را می‌توان یکی از شروط لازم و نه شرط کافی برای تحقق حکمروایی نیک دانست. همان‌طور که پیش از این گفته شد، گذر از حکمروایی بد به حکمروایی نیک بستگی عوامل و شروط مختلفی از جمله توسعه اجتماعی (بسط و گسترش روابط اجتماعی و شبکه‌های مدنی)، توسعه سیاسی یا دموکراتیزاسیون ساختارهای سیاسی، توسعه اقتصادی و توسعه فرهنگی دارد. بدون تردید در کشور دموکراتیکی که در آن منابع طبیعی کشف می‌شود، اگر نهادهایی را پابرجا نگاه دارد که ثروت تازه به‌دست آمده را منصفانه میان مردم توزیع کند و نگذارد اقلیتی کوچک منابع جدیدالکتشاف را به انحصار خود درآوردند، حکمروایی بد در کار نخواهد بود. در این معنا منابع طبیعی و کمک‌های مالی توسعه‌ای به خودی خود فاقد عاملیت هستند و کیفیت نهادها تعیین می‌کند که منابع به یک مصیبت با پیامدهای پیش گفته تبدیل شوند یا موهبت. در واقع میزان کارایی چهارچوب نهادی پایدار و استقرار یافته، عنصر محوری در تعیین میزان بهره‌وری یک کشور از رانت منابع طبیعی و کمک‌های مالی است، به‌طوری که یک چهارچوب نهادی بالغ و نسبتاً کارا، به تبدیل منابع طبیعی به موهبت منجر می‌شود، اما یک چهارچوب نهادی نابالغ و نسبتاً ناکارا، به تبدیل رانت منابع طبیعی به یک نفرین منجر خواهد شد. مطالعات متعددی نیز نشان می‌دهد که رانت‌های منابع طبیعی بر کشورهایی که پیش از رانت دارای نهادهای نیرومند، حاکمیت قانون، تفکیک اجتماعی - اقتصادی، طبقه متوسط قدرتمند و نظام‌های مالیاتی پیشرفته باشند آثار منفی ندارد. برای مثال نروژ و کانادا، وقتی به درآمدهای نفتی گسترده دست یافت، کشورهای توسعه‌یافته با حکمروایی کارآمد بودند.

منابع

- اسکاچپول، تدا (۱۳۸۲) دولت رانتیر و اسلام شیعی در انقلاب ایران، ترجمه محمدتقی دلفروز، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، پژوهشکده مطالعات راهبردی، سال ششم، شماره اول.
- پاتنام، رابرت (۱۳۸۰)، *دموکراسی و سنت‌های مدنی*، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران، انتشارات سلام.
- تیلی، چارلز (۱۳۸۵) *از بسیج تا انقلاب*، ترجمه علی مرشدی زاد، تهران، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
- جاسبی، عبدالله و ندا نفری (۱۳۸۸) طراحی الگوی حکمرانی خوب بر پایه نظریه سیستم باز، *فصلنامه علوم مدیریت ایران*، سال چهارم، شماره ۱۶.
- جلبی، مسعود (۱۳۷۵) *جامعه‌شناسی نظم، تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی*، تهران، نشرنی.
- حاجی یوسفی، امیرمحمد (۱۳۷۶) رانت، دولت رانتیر و رانتیرسم: یک بررسی مفهومی، *اطلاعات سیاسی-اقتصادی*، شماره ۱۲۵ و ۱۲۶.
- رجب‌زاده، احمد و محمدرضا طالبان (۱۳۸۶) تبیین جامعه‌شناختی بی‌ثباتی سیاسی (مطالعه بین کشوری)، *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی*، سال ۱۵، شماره ۵۶.
- رضایی، محمد (۱۳۹۴) *شکاف‌های جامعه ایرانی*، تهران، انتشارات آگاه، چاپ اول.
- سن، آمارتیا (۱۳۸۲) *توسعه به مثابه آزادی*، ترجمه وحید محمودی، انتشارات مدیریت دانشگاه تهران.
- صمدی، سعید و همکاران (۱۳۹۱) ارزیابی مقایسه‌ای تأثیر سهم مالیات در GDP و سهم درآمدهای نفتی در GDP بر دموکراسی، *فصلنامه راهبرد اقتصادی*، سال اول شماره سوم.
- عیوضی، محمدرحیم (۱۳۸۷)، نفت و موانع توسعه‌یافتگی، *فصلنامه راهبرد یاس*، شماره ۱۳، بهار ۸۷.
- کاتوزیان، همایون (۱۳۸۶) *اقتصاد سیاسی ایران: از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی*، تهران، نشر مرکز.
- گار، تد رابرت (۱۳۷۶) *چرا انسان‌ها تسورث می‌کنند؟* ترجمه علی مرشدی زاد، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- موفق، احمد و دلارام غنیمی فرد (۱۳۸۸)، نفت و دموکراسی: مورد کشورهای صادرکننده نفت، *فصلنامه سیاست*، دوره ۴۲، شماره ۲.
- میدری، احمد و جعفر خیرخواهان (۱۳۸۳) *حکمرانی خوب: بنیان توسعه*، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس.

محسنی زنوزی و همکاران (۱۳۹۳)، *مطالعه اثر درآمدهای نفتی بر شاخص حکمرانی خوب در کشورهای منتخب عضو اوپک*.

میکان، نظام‌الدین و مؤده بی‌باک (۱۳۹۳) تأثیر حکمرانی خوب بر توسعه انسانی: یک تحلیل بین کشوری، *فصلنامه مدل‌سازی اقتصادی*، سال نهم، شماره ۲.

لوسبانی، جیامو کو (۱۳۷۴) درآمد ثابت نفتی: بحران مالی دولت و گرایش به دموکراسی، *فصلنامه مطالعات خاورمیانه*، سال دوم، شماره ۲.

Arko Cobbah, Albert (2008) The Right of Access to Information: opportunities and challenges for civil society and good governance in South Africa, *IFLA Journal*, Vol. 34, No. 2, 180–191.

Andersen, J.J. & Aslaksen, S (2013) Oil and Political Survival, *Journal of Development Economics*, Vol.100, No.1, pp. 89-106.

Arco, Albert (2008) The right of Access to information: opportunities and challenges for civil society and good governance in South Africa, *IFLA Journal*, Vol. 34, 180–191.

Beblawi, H & G. Luciani (1987) *The RentierState in the Arab world*, London: Croom Helm.

Brautigam, D.A. (2008) Introduction: taxation and statebuilding in developing countries, *Capacity and Consent*, Cambridge University Press, 1–32.

Bosch, Marie Ali enor Van den (2012) Natural Resources, *Economic Performance and the Politics of Public Finance in Rentier States*, No. 4, 250-268.

Bulte, E, Damania, R, Deacon, R (2003) Resource Abundance, Poverty and Development, *Departmental Working Papers*, Department of Economics, UCSB, Uc Santa Barbara Tilburg University.

Bulte, E.H., Damania, R. and Deacon, R.T (2005) Resource intensity, institutions, and Development, *World Development*, 33(7); 1029-1044.

Bhattacharyya, S., Hadler, R. (2010), Natural resources, Democracy and corruption, *European economic review*, Vol.54, No. 4, 608-621.

Chaudhry (1994), Economic Liberalization and the Lineages of the RentierState, *Comparative Politics*, No. 25.

Collier, P. and A. Hoeffler (2004), Greed and Grievance in Civil Wars, *Oxford Economic Papers*, 56: 663-95.

- Chang, E. & Golden, M.A. (2006) Sources of corruption in Authoritarian Regimes, *www.Transparency, de/Administrations*.
- Collidge, J. & Rose, Ackerman, S. (1995) High-level Rentseeking and Corruption in African Regimes, *World Bank*.
- Dunning, Thad (2008) *Crude Democracy: Natural Resource Wealth and Political Regimes*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Dunning, T. (2005) Resource Dependence, Economic Performance, and Political Stability, *Journal of Conflict Resolution*, 49 (4): 451-482.
- Feng, Y. (2003) *Democracy, Governance and Economic performance: Theory and Evidence*, Cambridge: MA, MIT press.
- Giacomo Luciani (1986) *Allocation and Production States: A Theoretical Framework*, in Haze Beblawi and Giacomo Luciani, eds, *The Arab State*, (New York: Groom Helm).
- Gray, Matthew (2011), "A theory of late rentierism in arab states of the gulf", Center for International and Regional Studies Georgetown University School of Foreign Service in Qatar, No. 7.
- Graham, John, plumptre, Tim (2003) Principles for good governance in the 21st century, No. 15, Institute on governance, Ottawa, Canada.
- Hafez, Ziad (2009) The Culture of Rent, Factionalism, and Corruption: A Political Economy of Rent in the Arab World," *Contemporary Arab Affairs* 2, No. 3: 458-480.
- Herb, Michael (2005) No Representation without Taxation? Rents, *Development, and Democracy Comparative Politics*, Vol. 37, pp. 297-316
- Karl, Terry L (1990) Dilemmas of Democratization in Latin America, *Comparative Politics*, Vol. 23, No. 1.
- Karl, Terry L. (1987), Petroleum and Political Pacts: The Transition to Democracy in Venezuela", *Latin American Research Review* 22 (1): 63-94.
- Karl, Terry L. (1997) *The Paradox of Plenty: Oil Booms and Petro-States*, Berkeley, CA: University of California Press.
- Kaufman. Daniel, A. Kraay and M. Mastruzzi (2015) *Governance Matter IV: Governance Indicator for ,2000-2015*.

- Kotera, G, Okada, K, and Samreth, S. (2012) Government Size, Democracy, and Corruption: An Empirical Investigation, *Economic Modelling*, Vol.29, No.6, pp. 2340-2348.
- Knack, S.(Ed), (2003) *Democracy, Governance and Growth*, Ann Arbor: the University of Michigan Press.
- Niyongabo, Gilbert (2003) *Trade openness policy, Quality of institutions and economic growth*, University Auvergne Clermont, Frrand, France.
- Nathan Jensen and Leonard Wantchekon (2004) Resource Wealth and Political Regimes in Africa, *Comparative Political Studies*, No. 7, p. 37.
- Mutascu, M. (2009) *Political Regime Durability, Development and Governance: the Romanias case*, Stiinte Economic, Alexandru Ioan Cuza University, Faculty of Economic and Business Administration, 56: 433-441.
- Marshall, I.E. (2001) *A Survey of Corruption Issues in the Mining and Mineral Sector, Minerals, Mining, and Sustainable Development* (MMSD); International Institute for Environment and Development, Report, No. 15.
- Mahdavy, H. (1970) *The Patterns and Problems of Economic Development in a Rentier State: The Case of Iran* in M.A. Cook (Ed.). Studies in Economic History of the Middle East, London: Oxford University Press.
- Moore, M. (2004) Revenues, State Formation, and the Quality of Governance in Developing Countries, in: *International Political Science Review*.
- Moore, M. (2007) *How does taxation affect the quality of governance, institute of development studies*, the university of Sussex.
- Muller, Edward & eric weede (1994) Theories of rebellion, *rationality and society*, 6(1)38-60.
- Paxtone, Pamela (2002) Social Capital and Democracy: An Interdependent Relationship, *American Sociological Review*, Vol. 67, No. 2, pp. 254-277
- Putnam, Robert (2001) *Community-based social capital and education performance*, in dian ravitch and joseph viteritte, making good civil society, yale university press.
- Putnam, Robert (2002) Democracies in flux: the evolution of social capital in contemporary society, oxford: oxford university press.
- Ross, M.L. (2003) Does oil hinder democracy? *World Politics*.

- Ross, M.L. (2004) What Do We Know about Natural Resources and Civil War? *Journal of Peace Research*, 41 (3): 337-356.
- Sanyal G.S. Rudra P. Pradhan (2011) Good Governance and Human Development: Evidence form Indian States, *Journal of Social and Development Sciences*, 1(1), pp. 1-8.
- Sandbakken, Camilla (2006) The Limits to Democracy Posed by Oil Rentier States": The Cases of Algeria, Nigeria and Libya, *Democratization* 13, pp.10-21
- Vicente, P. (2010) Does oil corrupt? Evidence from a natural experiment in West Africa, *Journal of Development Economics*, 92(1); 28-38.
- Vandewalle ,Dirk (1998) Libya since Independence: Oil and State-Building, Cornell University Press
- Wantchekon, Leonard (2004) Why Do Resource Abundant Countries Have Authoritarian Governments? Yale University Working paper, p. 2.